

شورای بین‌المللی خطاناپذیری کتاب مقدس بیانیه‌ی شیکاگو درباره‌ی استفاده از کتاب مقدس

این بیانیه سومین و آخرین بیانیه‌ی اجلاس سه‌گانه‌ای است که شورای بین‌المللی خطاناپذیری کتاب مقدس بانی آن بود.

اجلاس اول (۲۶ تا ۲۸ اکتبر سال ۱۹۷۸) بیانیه‌ی شیکاگو درباره‌ی خطاناپذیری کتاب مقدس را ارائه داد.

اجلاس دوم (۱۰ تا ۱۳ نوامبر سال ۱۹۸۲) بیانیه‌ی شیکاگو درباره‌ی علم تفسیر کتاب مقدس را در پی داشت.

در این کنفرانس آخر، اجلاس سوم (۱۰ تا ۱۳ دسامبر سال ۱۹۸۶) پیش‌نویسی از بیانیه‌ی شیکاگو درباره‌ی استفاده از کتاب مقدس آماده شد. کار پژوهشی شورای بین‌المللی خطاناپذیری کتاب مقدس با این بیانیه‌ی تکمیل شد زیرا آموزه‌ی خطاناپذیری تعریف و تفسیر شد و در دوران ما بسیاری از پژوهشگران برجسته انجیل‌گرا از آن استفاده می‌کنند.

تذکر

شرکت کنندگان در اجلاس سوم، بیانیه‌ی تصدیق و انکار در پی آمده را با این مقدمه امضا کردند:

«به‌عنوان شرکت کننده‌ای در اجلاس سوم شورای بین‌المللی خطاناپذیری کتاب مقدس، پای این بندها را برای نشان دادن توافقم درباره‌ی مفهوم کلی آن‌ها امضا می‌کنم.»

بندهای تصدیق و انکار

بند ۱: خدای زنده

ما تصدیق می‌کنیم که خداوند حقیقی و زنده، خالق و نگه‌دارنده‌ی همه چیز است.

ما تصدیق می‌کنیم که این خدا می‌تواند از طریق مکاشفات خود در کلام نوشتاری خطاناپذیر شناخته شود.

ما تصدیق می‌کنیم که این خدای یگانه از ازل تا ابد در سه شخص پدر، پسر، روح‌القدس؛ وجود دارد که هر کدام از آن‌ها کاملاً خدا هستند.

ما تصدیق می‌کنیم که این خدای زنده که عمل و صحبت می‌کند، از طریق پسرش عیسی مسیح وارد تاریخ شد تا رستگاری را برای نوع انسان به ارمغان آورد.

ما تصدیق می‌کنیم که شخصیت و خواست آشکار شده‌ی خدا بنیان همه‌ی اخلاقیات هستند.

ما انکار می‌کنیم که زبان انسانی کتاب‌مقدس برای آگاه ساختن ما درباره‌ی این که خدا کیست و چگونه خدایی است، ناپسندیده است.

ما انکار می‌کنیم که آموزه‌ی تثلیث متناقض یا براساس هستی‌شناسی غیرقابل‌پذیرش است.

ما انکار می‌کنیم که مفهوم خدا باید با افکار مدرنی تطابق داشته باشد که در آن‌ها جایی برای مفاهیم گناه و رستگاری نیست.

بند ۲: منجی و کار او

ما تصدیق می‌کنیم که عیسی مسیح خدای حقیقی است که از پدر، و از ازل به وجود آمده است و همچنین انسان حقیقی است که روح‌القدس او را در رحم قرار داده و از مریم مقدس زاده شده است.

ما تصدیق می‌کنیم که پیوند نامریی بین خدایی کامل با انسانی کامل در شخص عیسی مسیح برای کار نجات‌بخش او الزامی است.

ما تصدیق می‌کنیم که عیسی مسیح از طریق رنج، مرگ و رستاخیز نیابتی، تنها منجی و رهایی‌بخش جهان است.

ما تصدیق می‌کنیم که رستگاری تنها در ایمان به عیسی مسیح است.

ما تصدیق می‌کنیم که عیسی مسیح (که در کتاب‌مقدس آشکار شده است) نمونه‌ای اعلی از زندگی خداپسندان‌های است که در او و از طریق او به ما رسیده است.

ما انکار می‌کنیم که کتاب‌مقدس هر گونه اعلان یا پیشنهاد رستگاری را به‌جز آن‌چه براساس نجات‌بخشی مسیح به صلیب کشیده و برانگیخته شده باشد، تضمین می‌کند.

ما انکار می‌کنیم که می‌توان آن‌هایی را که بدون (ایمان به) مسیح می‌میرند، در زندگی آینده نجات داد.

ما انکار می‌کنیم که افرادی را که قادر به انتخاب منطقی هستند، می‌توان بدون ایمان شخصی به مسیح کتاب مقدسی نجات داد.

ما انکار می‌کنیم که معرفی عیسی مسیح به‌عنوان نمونه‌ای اخلاقی بدون اشاره بر الوهیت و کفاره‌ی نیابتی او، عدالت را در حق آموزه‌های کتاب‌مقدس به‌جا می‌آورد.

ما انکار می‌کنیم که فهم درست از عشق و عدالت خدا، امید به رستگاری جهانیان را تضمین می‌کند.

بند ۳: روح‌القدس و کار او

ما تصدیق می‌کنیم که روح‌القدس سومین اقنوم الهی و کارش برای رستگاری گناهکاران الزامی است.

ما تصدیق می‌کنیم که دانش حقیقی و نجات‌بخش خدا از طریق روح خدا داده شده است زیرا خدا کلام کتاب‌مقدس مرجع را (که خود اولین نویسنده‌اش است) تصدیق و روشن می‌کند.

ما تصدیق می‌کنیم که روح‌القدس، قوم خدا را با بخشش حکمت (جهت استفاده از کتاب‌مقدس در مسائل مدرن و زندگی روزمره) هدایت می‌کند.

ما تصدیق می‌کنیم که حیات و شادابی کلیسا در پرستش و مشارکت، وفاداری و امانت در اعتراف، سودمندی شهادت و قدرت در مأموریت و خدمت، مستقیماً به قدرت روح‌القدس وابسته است.

ما هر نظری را انکار می‌کنیم که در شخصیت سه‌گانه‌ی اساسی خدای یکتا (که با بشارت انجیل مطابق است) جدل می‌کند.

ما انکار می‌کنیم که هر شخصی می‌تواند از ته قلبش بگوید که عیسی مسیح خداوندی جدای از روح‌القدس است.

ما انکار می‌کنیم که روح‌القدس از زمان عصر رسولان، مکاشفه‌ی اساسی جدیدی را به کلیسا داده است.

ما انکار می‌کنیم که نام تجدد باید به هر جنبشی در کلیسا اطلاق شود که فهم عمیقی از قضاوت پروردگار و رحمت مسیح دربر ندارد.

بند ۴: کلیسا و مأموریت آن

ما تصدیق می‌کنیم که الهام روح‌القدس به کتاب مقدس، اعتبار شرعی می‌بخشد و نقش کلیسا شناخت و تصدیق این اعتبار بوده و هست.

ما تصدیق می‌کنیم که خداوند مسیح کلیسایش را روی زمین بنا نهاده است و با کلام و روحش آن را اداره می‌کند.

ما تصدیق می‌کنیم که کلیسا رسولی و رسالتی است زیرا دریافت‌کننده‌ی آموزه‌ی رسولان است و بر همین اساس بنا شده است که در کتاب‌مقدس ثبت شده‌اند و به اعلان انجیل رسولان ادامه می‌دهد.

ما تصدیق می‌کنیم که علائم شناسایی کلیساهای محلی، اعتراف و اذعان وفادارانه به کلام خدا است و آنان مسئول اجرای غسل تعمید و عشاء ربّانی هستند.

ما تصدیق می‌کنیم که کلیساهای در نظام و آموزه، پیرو کلام مسیح هستند.

ما تصدیق می‌کنیم که مسیحیان علاوه بر تعهدشان به کلیسای محلی، کاملاً می‌توانند خودشان در سازمان‌های بین‌کلیسایی شرکت کنند.

ما تصدیق می‌کنیم که مسیح کلیسا را به خدمت به او از طریق پرستش، پرورش و گواهی برای قوم خویش در جهان فراخواند.

ما تصدیق می‌کنیم که مسیح کلیسا را به تمام جهان می‌فرستد تا انسان‌های گناهکار را به ایمان، توبه و پارسایی فرا بخواند.

ما تصدیق می‌کنیم که پیوستگی و وضوح کتاب مقدس ما را بر این می‌دارد که به دنبال حل تفاوت‌های آموزه‌ها در میان مسیحیان برویم و همچنین وحدت کلیسا را در مسیح آشکار سازیم.

ما انکار می‌کنیم که کلیسا می‌تواند به کتاب مقدس اعتبار شرعی ببخشد.

ما انکار می‌کنیم که کلیسا بر اساس خواست و رسوم بشری تاسیس شده است.

ما انکار می‌کنیم که کلیسا می‌تواند ضمیر انسان را جدای از کلام خدا مقید سازد.

ما انکار می‌کنیم که کلیسا می‌تواند خویش را از اعتبار کلام نوشتاری خداوند رها سازد و هم‌چنان با نام مسیح به شاگردسازی و انضباط بپردازد.

ما انکار می‌کنیم که کلیسا می‌تواند خویش را با خواسته‌های فرهنگ خاصی (چنانچه آن خواسته‌ها در تضاد با الهام کتاب مقدس باشند یا از آزادی وجدان مسیحی جلوگیری کنند) هم‌ساز کند.

ما انکار می‌کنیم که موقعیت‌های فرهنگی متفاوت، اصل برابری مرد و زن را در کتاب مقدس یا الزامات مربوط به نقش ایشان در کتاب مقدس ابطال می‌کند.

بند ۵: تقدس زندگی انسانی

ما تصدیق می‌کنیم که خدای خالق روی زندگی تمامی انسان‌ها و بشریت قدرت عالیه دارد و بشر مسئول است که تحت نظر خدا از این قدرت مراقبت و محافظت کند.

ما تصدیق می‌کنیم که قداست زندگی انسانی بر اساس خلقت انسان در صورت و شباهت خدا است.

ما تصدیق می‌کنیم که زندگی انسان با حاملگی (لقاح) شروع می‌شود و تا مرگ بیولوژیکی ادامه می‌یابد. بنابراین سقط (غیر از موردی که ادامه‌ی حاملگی به‌طور حتمی زندگی جسمی مادر را تهدید کند)، کودک‌کشی، خودکشی و کشتن از سر دلسوزی، انواع قتل هستند.

ما تصدیق می‌کنیم که نگاه کیفری به عدالت اجتماعی با قداست زندگی انسانی سازگار است.

ما تصدیق می‌کنیم که خودداری از صرف غذا یا آب جهت به مرگ انجامیدن یا تسریع مرگ تخطی از قداست زندگی انسانی است.

ما تصدیق می‌کنیم که پیشرفت در فناوری پزشکی تفاوت بین زندگی و مرگ را نامفهوم کرده است، لازم است که هر مورد علاج‌ناپذیر را با دقت بیشتری ارزیابی کنند تا از قداست زندگی انسانی حفاظت کنند.

ما انکار می‌کنیم که کیفیت زندگی انسانی بر قداست آن اولویت دارد.

ما انکار می‌کنیم که قداست زندگی پیش‌از تولد، تناسب رویه‌های پزشکی لازم جهت محافظت از زندگی مادر حامله را نفی نمی‌کند.

ما انکار می‌کنیم که قتل در دفاع از خود، اجرای دستور اعدام یا در جنگ برای عدل لزوماً تخطی از قداست زندگی انسانی است.

ما انکار می‌کنیم که کسانی که مبنای الهی قوانین اخلاقی را رد می‌کنند، از اجبار اخلاقی و اجتماعی معاف هستند تا از زندگی پاک انسانی محافظت شود.

ما انکار می‌کنیم که روا دانستن مرگ بدون مداخله‌ی پزشکی یا طولانی‌سازی زندگی همیشه تخطی از قداست زندگی انسانی است.

بند ۶: ازدواج و خانواده

ما تصدیق می‌کنیم که هدف از ازدواج حمد خدا و گسترش پادشاهی او بر زمین در نهادی است که عفت، مصاحبت، زایش و تربیت فرزندان مسیحی را میسر سازد.

ما تصدیق می‌کنیم از آن‌جا که ازدواج عهد مقدس الهی است که در آن مرد و زنی به عنوان یک نفر به هم می‌پیوندند، کلیسا و دولت باید وفاداری به خدا را به عنوان خواسته‌ی خدا ملزم سازند تا پیوند آنان ابدی باشد.

ما تصدیق می‌کنیم که در الگوی ازدواج مقرر شده توسط خدا، شوهر رئیس، رهبر خانواده و خادم و عاشق همسرش است و زن یاور، یاری مطیع و همسری کامل برای شوهرش است.

ما تصدیق می‌کنیم که پرورش عاشقانه و با نظم بچه‌ها وظیفه‌ی والدین و اطاعت از والدین وظیفه‌ی بچه‌ها است که این وظایف را خداوند مقرر کرده است.

ما تصدیق می‌کنیم که کلیسا مسئولیت تربیت خانواده را دارد.

ما تصدیق می‌کنیم که احترام به والدین وظیفه‌ی تمامی افراد در طول زندگیشان است و این شامل مسئولیت مراقبت از سالمندان نیز می‌شود.

ما تصدیق می‌کنیم که خانواده باید خدمات بسیاری را انجام دهند که معمولاً دولت آن‌ها را برایشان وضع کرده‌اند.

ما انکار می‌کنیم که بنیان ازدواج لذت و خودکام‌بخشی است و سختی‌ها دلیل موجهی برای شکستن عهد ازدواج است.

ما انکار می‌کنیم که کمال مطلوب کتاب مقدس از ازدواج می‌تواند با زوجی که بدون عقد ازدواج قانونی با همدیگر زندگی می‌کنند یا هر شکلی از زندگی هم‌جنس‌گرایان با یکدیگر برآورده گردد.

ما انکار می‌کنیم که دولت حق قانونی سازی نظراتی را درباره‌ی ازدواج و واحد خانواده دارد که با معیارهای کتاب مقدس مغایر هستند.

ما انکار می‌کنیم که تغییر شرایط اجتماعی، قوانین ازدواج و خانواده‌ی تعیین شده توسط خدا را منسوخ و نامربوط می‌کند.

ما انکار می‌کنیم که دولت حق غصب مسئولیت والدین را دارد که در کتاب مقدس تعیین شده‌اند.

بند ۷: طلاق و ازدواج مجدد

ما تصدیق می‌کنیم که ازدواج آدم و حوا که رابطه‌ای تک‌همسری مادام‌العمر بود، الگویی برای تمامی ازدواج‌های نژاد انسان است.

ما تصدیق می‌کنیم که خدا شوهر و زن را در هر عقد ازدواج و مراسم عروسی به هم پیوند می‌دهد و کسانی را که عهدشکن هستند از لحاظ اخلاقی جوابگو خواهد دانست.

ما تصدیق می‌کنیم که جوهره‌ی عقد ازدواج، تعهدی همیشگی به همسر متعهد است. راه‌کارهای مربوط به فسخ ازدواج باید حداقل در ابتدا با هدف آشتی زوجین و بازگردانی ازدواج به شرایط قبلی باشد.

ما تصدیق می‌کنیم که خدا از طلاق متنفر است، هر قدر هم که دارای انگیزه باشد.

ما تصدیق می‌کنیم که با این که خداوند از طلاق متنفر است، در این دنیای گناه‌آلود گاهی جدایی قابل توصیه است و طلاق گاهی اجتناب‌ناپذیر است.

ما تصدیق می‌کنیم که خدا گناه‌کاران توبه‌کار را می‌بخشد، حتی آن‌هایی را که به گناه طلاق در ازدواج خود مرتکب شده‌اند.

ما تصدیق می‌کنیم که کلیسای محلی مسئولیت دارد که به تأدیب افرادی بپردازد که از استانداردهای کتاب مقدس برای ازدواج تخطی می‌کنند و با شفقت آن‌هایی را بازگرداند که توبه می‌کنند و با توفیق الهی، وفادارانه به کسانی خدمت کنند که زندگیشان به خاطر شکست در ازدواج آسیب دیده است.

ما انکار می‌کنیم که بین کتاب مقدس و موضوع طلاق و ازدواج مجدد تناقض وجود دارد.

ما انکار می‌کنیم که جدایی در زندگی از همسری بی‌قید در امور جنسی یا همسری بدزبان گناه دارد.

بند ۸: انحراف جنسی

ما تصدیق می‌کنیم که کتاب مقدس معیارهای خدا را برای روابط جنسی آشکار ساخته است و انحراف از آن‌ها گناه است.

ما تصدیق می‌کنیم که رابطه‌ی جنسی فقط در ازدواج با جنس مخالف مشروعیت دارد.

ما تصدیق می‌کنیم که فیض الهی در مسیح می‌تواند مردان و زنانی را که نجات دهد که برده‌ی اعمال منحرف جنسی (چه با جنس مخالف و چه با جنس موافق) هستند و کلیسا باید این را وظیفه خود بپندارد که این اعضا را به زندگی در سایه‌ی احترام به خدا بازگرداند.

ما تصدیق می‌کنیم که خدا هم‌جنس‌گرایان را همانند دیگر گناه‌کاران دوست دارد و می‌توان همانند دیگر وسوسه‌ها، بر وسوسه‌ی جنس موافق با قدرت مسیح و جلال و لطف او غلبه کرد.

ما تصدیق می‌کنیم که مسیحیان باید در کلیسا با فیض الهی، شفقت، مهربانی و بخشش با افرادی برخورد کنند که زندگیشان به دلیل انحراف‌های جنسی آسیب دیده است.

ما تصدیق می‌کنیم که لذت و اقتناع انسان به ارضاء تحریک‌های جنسی بستگی ندارد. لذت‌گرایی و دیگر فلسفه‌های مربوط به آن که زندگی جنسی بی‌بندوبار را تشویق و ترویج می‌کنند، اشتباه هستند و منجر به نابودی فرد می‌شوند.

ما تصدیق می‌کنیم که هرزه‌نگاری سلامت افراد، خانواده و کلیه‌ی جوامع را تهدید می‌کند و بر تمام مسیحیان است که به‌دنبال مقابله با تولید و توزیع آن باشند.

ما انکار می‌کنیم که هم‌جنس‌گرایی می‌تواند خداوند را خشنود کند.

ما انکار می‌کنیم که وراثت، شرایط دوران کودکی یا دیگر تاثیرات محیطی بتوانند بهانه‌ای برای رفتار جنسی منحرف باشند.

ما انکار می‌کنیم که در کل، آزار و تجاوز جنسی کودکان و به‌خصوص زنانی با محارم می‌توانند قابل توجیه باشد.

ما انکار می‌کنیم که امیدی به رهایی از اعمال جنسی هم‌جنس‌گرایانه و دیگر انحراف‌های جنسی نیست.

ما انکار می‌کنیم که شفای انحراف جنسی به کمک سرزنش بی‌شفقت یا به کمک مشفقانه بدون استفاده از حقیقت کتاب مقدس با امیدی دلگرم کننده انجام پذیر است.

بند ۹: دولتی تحت فرمان خدا

ما تصدیق می‌کنیم که خدا دولت مدنی را وسیله‌ای برای اعطای فیض همگانی خود جهت بازداري از گناه، حفظ نظم و اشاعه‌ی عدالت مدنی و رفاه عمومی برقرار کرد.

ما تصدیق می‌کنیم که خدا به دولت‌های مدنی حق استفاده از زور و اجبار را برای دفاع و تشویق نیکوکاران و تنبیه عادلانه‌ی بدکاران می‌دهد.

ما تصدیق می‌کنیم که صحیح و مطلوب است که مسیحیان در دولت مدنی شرکت کنند و از تصویب قوانینی برای منفعت عمومی حمایت کنند که مطابق با قوانین اخلاقی خداوند است.

ما تصدیق می‌کنیم که وظیفه‌ی مسیحیان است که برای مسئولان حکومتی دعا و از آن‌ها پیروی کنند، مگر وقتی که چنین اطاعتی تخطی از قوانین اخلاقی خداوند یا چشم‌پوشی از مسئولیت‌های مسیحیان (تعیین گشته توسط خدا) را دربر داشته باشد.

ما تصدیق می‌کنیم که دولت‌ها در برابر خدا جهت تصویب و اجرای قوانینی که مطابق با قوانین اخلاقی خداست، مسئولیت دارند، زیرا این قوانین مربوط به روابط انسانی هستند.

ما تصدیق می‌کنیم که حکومت مسیح بر کلیسا (از طریق کلامش) را نباید با قدرتی که به دولت‌های مدنی می‌بخشد، اشتباه گرفت. چنین اشتباهی خلوص کتاب مقدس را به خطر می‌اندازد و به وجدان افراد هتک حرمت خواهد کرد.

ما تصدیق می‌کنیم که وقتی که خانواده‌ها و کلیساها از وظایفی چشم پوشی می‌کنند که در کتاب مقدس برایشان تعریف شده است و در نتیجه سلامت اعضاء خود را به خطر می‌اندازند، دولت حق مداخله را دارد.

ما انکار می‌کنیم که دولت حق دارد در حدود خدادادی دیگری از زندگی به ویژه در امور کلیسا و خانواده اعمال قدرت کند.

ما انکار می‌کنیم که پادشاهی خداوند می‌تواند برپایه‌ی قدرت قهری دولت‌های مدنی برپا شود.

ما انکار می‌کنیم که دولت اجازه دارد عبادت اختیاری و دیگر اعمال مذهبی اختیاری (در زمان مناسب) را در مدارس دولتی منع کند.

ما انکار می‌کنیم که پایه ریزی دولتی خاص با مشیت الهی، نعمتی خاصی را (جدای از اجرای عادلانه و وفادارانه‌ی وظایف دولت) به آن اعطا می‌کند.

ما انکار می‌کنیم که عقیده‌ی مذهبی شرط لازم خدمت در دولت مدنی است یا نداشتن چنین عقیده‌ای قدرت قانونی کسانی را که دولت را اداره می‌کنند، ابطال می‌کند.

ما انکار می‌کنیم که پادشاهی خداوند را می‌توان بر پایه‌ی قدرت دولت‌ها برپا کرد.

ما انکار می‌کنیم که دولت حق دارد دعا‌های خاص یا انواع عبادت‌های خاصی را برای شهروندانش مقرر کند.

بند ۱۰: قانون و عدالت

ما تصدیق می‌کنیم که دست‌نوشته‌های کتاب مقدس تنها یادداشت‌های تغییر ناپذیر اصول اخلاقی مصون از خطایی هستند که پایه استوار فقه و فلسفه‌ی بسنده از حقوق بشر است.

ما تصدیق می‌کنیم که خدا قلب تمامی مردم را تحت تاثیر تصویر خویش قرار داده است تا آن‌ها به عنوان افراد و اعضاء جامعه از لحاظ اخلاقی مسئول اعمالشان باشند.

ما تصدیق می‌کنیم که قانون الهی الهام شده، طبیعت اخلاقی بشریت و قانون‌گذاری بشری در جهت پیش‌گیری از هرج‌ومرج و اغتشاش در نظام سیاسی فاسد و تباه به‌کار می‌روند تا بشریت را متوجه نیاز به رهایی‌بخش بودن عیسی مسیح کند.

ما تصدیق می‌کنیم که کتاب مقدس نمی‌تواند تصویب شود و شریعت نمی‌تواند گناه کاران را نجات بخشد.
ما انکار می‌کنیم که قانون‌گرایی یا هر فلسفه انسانی دیگری درباره‌ی حقوق، توان برآوردن نیاز به معیارهای قانونی و عدالت مطلق را دارد.
ما انکار می‌کنیم که هر کس یا هر جامعه‌ای به استانداردهای الهی رسیده است تا خودش را در مقابل دادگاه عدالت مطلق الهی توجیه کند.
ما انکار می‌کنیم که همه‌ی نظام‌های سیاسی، اقتصادی یا اجتماعی از پیامدهای مهلک نخستین گناه میرا هستند یا توان پیشنهاد راه‌حلی خیال‌پردازانه یا جای‌گزینی برای جامعه‌ای کامل (که مسیح در بازگشت خود به‌تنهایی آن‌را بنیان خواهد نهاد) را دارند.

بند ۱۱: جنگ

ما تصدیق می‌کنیم که خدا خواهان صلح و نیکوکاری میان ملت‌ها است و جنگ‌های تهاجمی را محکوم می‌کند.
ما تصدیق می‌کنیم که دولت‌های قانون‌مند حق و وظیفه دارند که از قلمرو و شهروندان خود در مقابل تهاجم و ظلم دیگر قدرت‌ها دفاع کنند و این مضمول آماده‌سازی دفاع غیرنظامی از مردم نیز می‌شود.
ما تصدیق می‌کنیم که دولت‌ها جهت دفاع به‌حق از قلمرو و شهروندان خود باید تنها از ابزار جنگی استفاده کنند.
ما تصدیق می‌کنیم که دولت‌های درحال جنگ باید بکوشند تا از هر ابزار ممکن جهت به حداقل رسانی تلفات غیرنظامی استفاده کنند.
ما انکار می‌کنیم که با اسلحه‌های دنیوی می‌توان از هدف عیسی مسیح دفاع کرد.
ما انکار می‌کنیم که مسیحیان از استفاده از سلاح برای دفاع از دولت‌های قانونمند منع شده‌اند.
ما انکار می‌کنیم که قتل‌عام غیرنظامیان می‌تواند شکلی اخلاقی از جنگ باشد.
ما انکار می‌کنیم که شرایط جنگ مدرن، حق و وظیفه‌ی دولت مدنی را برای دفاع از قلمرو و شهروندانش از بین می‌برد.

بند ۱۲: تبعیض و حقوق بشر

ما تصدیق می‌کنیم که خدایی که مرد و زن را شبیه به خودش آفرید، به تمامی انسان‌ها حقوق اساسی بخشیده است که باید در سطوح طبیعی و روحانی مورد محافظت، نگهداری و ترویج قرار گیرد.

تصدیق می‌کنیم که تمامی انسان‌ها در نهایت در مقابل استفاده از این حقوق به درگاه خداوند پاسخگو هستند.

ما تصدیق می‌کنیم که مسیحیان درحالی‌که حاضر به گذشت از حقوقشان برای مصلحت دیگران هستند، باید از حقوق دیگران حمایت و دفاع کنند.

ما تصدیق می‌کنیم که به مسیحیان توصیه شده است که از الگوی مشفقانه‌ی عیسی سرمشق بگیرند که بار محنت کسانی را که حقوق انسانی آنان نقض شده بود به دوش می‌کشید تا به آن‌ها کمک کند.

ما هر به اصطلاح حقوق بشری را انکار می‌کنیم که از آموزه‌های مشروع کتاب مقدس تخطی می‌کنند.

ما هر عملی را رد می‌کنیم که به زندگی طبیعی یا روحانی فرد دیگری آسیب وارد کند یا آن‌را نابود کند. هرچند آن فرد حقوق بشر دیگری را نقض کرده باشد.

ما انکار می‌کنیم که سن، ناتوانی، وضع نامساعد اقتصادی، نژاد، دین یا جنسیت که مبنایی برای تبعیض هستند، بتوانند توجیهی برای نقض حقوق بشر یا نفی برخورداری از آن باشند.

ما انکار می‌کنیم که نخبه‌گرایی یا چنگ زدن به قدرت با فراخوانی مسیح به وقف حقوق ما در راه خدمت به او سازگاری دارد.

بند ۱۳: اقتصاد

ما تصدیق می‌کنیم که اصول اقتصادی معتبر را می‌توان در کتاب مقدس یافت و باید آن را قسمت اصلی جهان مسیحیت و نگرش مسیحی به زندگی ساخت.

ما تصدیق می‌کنیم که منابع مادی برکتی از سوی خدا هستند که باید با شکرگزاری از آن‌ها لذت برد و باید با نظارت خدا کسب، مدیریت و به اشتراک گذاری شوند.

ما تصدیق می‌کنیم که مسیحیان باید جهت حمایت از کلیسای خدا، فداکارانه منابع خودشان را به کلیسا بدهند.

ما تصدیق می‌کنیم که استفاده از منابع شخصی و مادی جهت اعلان انجیل لازم است تا هم بشر گمراه به رستگاری برسد و هم بر فقری غلبه کرد که حاصل از پیوند با نظام‌های دینی غیرمسیحی است.

ما تصدیق می‌کنیم که شفقت کنش‌گرانه نسبت به فقیران و مظلومان، تکلیفی است که خدا برای تمامی آدمیان (مخصوصاً کسانی که منابع آن‌را دارند)، مقرر کرده است.

ما تصدیق می‌کنیم که ثروت ثروتمندان برای آن‌ها تکالیفی ایجاد می‌کند.

ما تصدیق می‌کنیم که عشق به ثروت منشأ شرارت بزرگی است.

ما تصدیق می‌کنیم که فساد، طمع و قدرت طلبی بشر موجب بی‌عدالتی اقتصادی می‌شوند و انسان‌های فقیر را از درون با نگرانی نابود می‌کند.

ما تصدیق می‌کنیم که کتاب مقدس حقوق مالکیت خصوصی را با نظارت الهی تایید می‌کند.

ما انکار می‌کنیم که کتاب مقدس به‌صورت مستقیم علم اقتصاد را آموزش می‌دهد هرچند می‌توان اصول اقتصادی را از کتاب مقدس استنتاج کرد.

ما انکار می‌کنیم که کتاب مقدس آموزش می‌دهد که شفقت نسبت به فقیران منحصراً باید در یک سیستم اقتصادی به‌خصوص نشان داده شود.

ما انکار می‌کنیم که کتاب مقدس آموزش می‌دهد که پول و ثروت ذاتاً اهریمنی است.

ما انکار می‌کنیم که کتاب مقدس جمع‌گرایی اقتصادی یا فردگرایی اقتصادی را تایید می‌کند.

ما انکار می‌کنیم که کتاب مقدس استفاده از منابع سرمایه‌ای جهت تولید درآمد را منع می‌کند.

ما انکار می‌کنیم که کانون امید مسیحیان بر کامیابی مالی است.

ما انکار می‌کنیم که مسیحیان باید از منابع خود، نخست در جهت ارضاء نفس خود استفاده کنند.

ما انکار می‌کنیم که رهایی از گناه الزاماً در بردارنده‌ی آزادی اقتصادی یا سیاسی است.

بند ۱۴: کار و فراغت

ما تصدیق می‌کنیم که خدا بشر را به صورت خود آفرید و از روی بخشندگی آن‌ها را متناسب با کار و نیز فراغت آفرید.

ما تصدیق می‌کنیم که خدا در تمامی مشاغل آبرومندانه (هر قدر که دشوار باشند) همراه با کارگر در طول کارش، کار خواهد کرد.

ما تصدیق می‌کنیم که کار ابزاری است که خدا آنرا مقرر داشته است که بدین وسیله هم حمد خدا را بگوییم و هم نیازهای خودمان و دیگران را برطرف سازیم.

ما تصدیق می‌کنیم که مسیحیان باید با نهایت توان خویش کار کنند تا خدا را خشنود سازند.

ما تصدیق می‌کنیم که مردم باید در حوزه کاریشان، خاضعانه به هر آنچه که مقامات اجرایی می‌خواهند گوش دهند و به‌درستی به آن عمل کنند.

ما تصدیق می‌کنیم که مردم باید در کارشان به‌دنبال پادشاهی خداوند، نیکوکاری و وابستگی به خدا باشند تا نیازهای مادی خود را برطرف کنند.

ما تصدیق می‌کنیم که باید پاداشی عادلانه و بی تبعیض در عوض کار داده شود.

ما انکار می‌کنیم که افراد باید شغل خود را دنبال کنند که بیش‌تر خودشان را راضی و خشنود کنند تا به خدا خدمت نمایند و او را خشنود سازند.

ما انکار می‌کنیم که ثروتمندان، حق بیش‌تری در آسودگی نسبت به فقیران دارند.

ما انکار می‌کنیم که از دید خداوند بعضی از مشاغل ارزش بیش‌تری نسبت به دیگر مشاغل به افراد می‌دهند.

ما انکار می‌کنیم که مسیحیان باید اوقات فراغت را کم بها بدانند یا آنرا تبدیل به هدف کنند.

بند ۱۵: ثروت و فقر

ما تصدیق می‌کنیم که خداوند عادل و مهربان به فقیران در گرفتاری ایشان اهمیت می‌دهد.

ما تصدیق می‌کنیم که خداوند مردمانش را برای مباشرت مسئولانه در زندگی و منابع آنان فرا می‌خواند.

ما تصدیق می‌کنیم که تلاش فداکارانه جهت رهنیدن دیگران از فقر، ظلم و رنج نشانی از شاگردی مسیحی است.

ما تصدیق می‌کنیم که همان‌طور که ثروتمندان نباید حریص باشند، فقیران هم نباید آزمند باشند.

ما انکار می‌کنیم که حق داریم خود را شاگرد مسیح بدانیم درحالی که اهمیت کنش‌گرایانه‌ای به فقیران، مظلومان و رنج‌کشیدگان (مخصوصاً آن‌هایی که اهل ایمان هستند) نمی‌دهیم.

ما انکار می‌کنیم که اجازه داریم ثروت یا فقر را معیاری برای اندازه ایمان خود به مسیح در نظر بگیریم.

ما انکار می‌کنیم که الزاماً غلط است مسیحیان ثروت‌مند باشند یا بعضی افراد بیش‌تر از بقیه اموال داشته باشند.

بند ۱۶: نظارت بر محیط زیست

ما تصدیق می‌کنیم که خدا محیط زیست این جهان را برای شکوه خویش و نیکویی انسان‌های مخلوقش آفرید.

ما تصدیق می‌کنیم که خدا، انسان را نماینده‌ی خود جهت اداره‌ی مخلوقاتش به کار گمارده است.

ما تصدیق می‌کنیم که بشر ارزش بیش‌تری نسبت به دیگر مخلوقات دارد.

ما تصدیق می‌کنیم که حکومت انسان بر زمین، مسئولیت حفاظت و مراقبت از زندگی زمین و منابع آن‌را به‌عهده‌ی او می‌گذارد.

ما تصدیق می‌کنیم که مسیحیان باید مسئولیت تحقیقات عملی معتبر و کاربرد آن‌ها را در فناوری، با آغوشی باز بپذیرند.

ما تصدیق می‌کنیم که مباشرت بر زمین پرودگار شامل استفاده‌ی سازنده از منابع آن است و ذخیره این منابع تا جایی که ممکن است باید همیشه از نو تجدید شود.

ما تصدیق می‌کنیم که آلودگی اجتناب‌پذیر زمین، هوا، آب و فضا غیر مسئولانه است.

ما انکار می‌کنیم که عالم بدون بشر بی‌ارزش است.

ما انکار می‌کنیم که کتاب مقدس استفاده‌ی اسراف‌کارانه از طبیعت را مجاز می‌داند و مشوق آن است.

انکار می‌کنیم که مسیحیان باید ضد فرهنگ انکار علم را یا این عقیده اشتباه را بپذیرند که دانش تنها امید بشریت است.

ما انکار می‌کنیم که اعضاء جامعه باید از منابع جهان برای منفعت خودشان به قیمت منفعت بقیه‌ی مردم یا بقیه‌ی جامعه استفاده کنند.

ما انکار می‌کنیم که جهان‌بینی مادی‌گرایانه می‌تواند مبنای مناسبی را برای تشخیص ارزش‌های زیست محیطی ارائه دهد.

بیانیه‌ی شیکاگو درباره‌ی استفاده از کتاب مقدس

مقدمه

شورای بین‌المللی خطاناپذیری کتاب مقدس با برنامه‌ای به مدت یک دوره ۱۰ ساله در سال ۱۹۷۷ تأسیس گشت. هدف این شورا آن بود که تحت نظارت خدا دنبال ابزار نوشتاری و آموزشی دانش‌مندان بگردد که اعتماد رو به افول مسیحیان را به درستی کامل کتاب مقدس؛ بازگرداند. زیرا فقدان چنین اعتمادی منجر به فقدان وضوح در بیان قوانین قطعی مسیحیت حقیقی و فقدان نیرو جهت حفظ آن‌ها (کاری که ضروری می‌نماید) می‌شود. ده سال تلاش خاص جهت تغییر روند عدم اطمینان به کتاب مقدس آن قدر نبود که تعهدی بکند یا از عموم مسیحیان درخواست حمایت نماید. شورا در دهمین سال عمر خود، هر آنچه را که به آن نائل شده است دلیلی بر شکرانه اساسی برای هر یک از دیدگاه‌ها می‌داند.

اعتقاد بر این است که سه اجلاس دانش‌مندان که اعضاء شورا برگزار کردند، مجموعه‌ای از جلسات به هم پیوسته‌ای است که هر یک دارای هدف متحد‌کننده و کنکاش‌گر هستند. اجلاس سال ۱۹۷۸ به بیانیه‌ی مهمی در دوران ما درباره‌ی دیدگاه مسیحیت به کتاب مقدس به‌عنوان مکاشفه‌ای معتبر از جانب خداوند به شکل شهادت ترکیبی انسان با خواست، کار و روش‌های خدا دست یافت. اجلاس سال ۱۹۸۲ به اجماعی گسترده درباره‌ی دستورالعمل‌های تفسیر کتاب مقدس و نحوه‌ی بازبینی تفسیر آن رسیدند. اجلاس ۱۹۸۶ به دنبال نشان دهی ارتباط بین کتاب مقدسی که به‌درستی تفسیر شده و بعضی از قسمت‌های اصلی است که امروزه در فرهنگ آمریکای شمالی موجب سردرگمی و جدل شده‌اند. نیاز به اجلاس دوم و سوم همیشه واضح بوده است زیرا اعتراف به باور بر خطاناپذیری کتاب مقدس تا زمانی که نحوه‌ی تفسیر آن را ندانیم، سودی به حال ما نخواهد داشت و تفسیر شامل استفاده از حقیقت کتاب مقدس در زندگی واقعی کنونی می‌شود.

اجلاس سوم درباره‌ی استفاده از حقیقت همیشگی در موقعیت‌های اواخر قرن بیستم است. این اجلاس، اهمیت کار مبلغان مذهبی و روحانیان را که از قرارگیری این حقیقت در بطن زندگی و استفاده از آن در زندگی اطمینان حاصل می‌کنند، بیان نمی‌کند بلکه بیشتر به دنبال بررسی معنی زندگی با این حقیقت در اجتماع کنونی است. اجلاس توجه خود را روی مقررات شاگردی متمرکز نمی‌کند زیرا از قبل مطالب خوبی درباره‌ی این موضوع موجود است و هم‌چنین در این جا این موضوع جزء حادثترین بحران‌های استفاده از کتاب مقدس به حساب نمی‌آید، بلکه اجلاس سوم در ابتدا روی مبانی تثلیث تمرکز دارد که باید به تمامی زندگی کلیسا و شهادت کلیسا شکل دهد و سپس روی شماری از دل‌واپسی‌های جامعه تمرکز دارد که تحت عنوان اصول اخلاقی اجتماعی مسیحی قرار می‌گیرند. این مضامین تا حدودی به دلیل اهمیت ذاتی و تاحدودی به خاطر این که برطرف ساختن شک (مانند این که آیا ایمان‌داران به کتاب مقدس می‌توانند درباره‌ی نحوه‌ی پاسخ‌گویی به آن‌ها به توافق برسند) لازم است، انتخاب شدند. همان‌گونه که اجماع اجلاس اول شک‌هایی (مانند این که آیا توافق درباره‌ی ذات کتاب مقدس

امکان‌پذیر است) را برطرف کرد و اجماع اجلاس دوم شک‌هایی (مانند این که آیا معتقدان به خطاناپذیری می‌توانند درباره‌ی اصول تفسیر الهام به توافق برسند) را برطرف کرد و حالا اجلاس سوم تا حد زیادی اجماعی را درباره‌ی شیوه هدایت افراد خداپرست، توسط کتاب مقدس قابل اعتماد و نحوه‌ی برنامه‌ریزی و عملکرد در جامعه‌ی گمراه امروزی ارزانی می‌دارد. خداوند را به‌خاطر تمامی توافق‌هایی شاکریم که باور داریم در زمان ما اهمیت زیادی دارند.

رسیدگی به مشکلات امروزی

فرآیند کار الهی ماوراء طبیعی که کتاب مقدس مرجع قانونی را به دستمان داد، کتابی برای دانش‌جویان علم الهیات نیست بلکه چیزی غنی‌تر و آموزنده‌تر و کتاب زندگی است. در این کتاب که از ۶۶ کتاب جداگانه تشکیل شده است، بسیاری از مطالب متنوع گردآوری شده است. اصلی‌ترین بخش کتاب مقدس مجموعه‌ای از روایاتی است که در طول هزاران سال زبان به زبان بازگو می‌شدند و تعریف می‌کردند که بعد از این که گناه وارد جهان شد و انسان را به فساد کشانید، چگونه به خدا چگونه به یک منجی تبدیل گشت. تمامی مطالب آموزشی، تعلیمی، عبادتی، اخلاقی و نیایشی که به شکل موعظه، نامه، سرود روحانی، دعا، قانون، دستورالعمل، مثل، تفکرات فلسفی و عملی یا هرگونه نوشته‌ی دیگر دارای خصیصه‌ی بیان قابل اطلاق سببی هستند که به افرادی خاصی (در مکانی تاریخی و الهی در نقطه‌ی خاصی از برنامه ناگفته‌ی خدا برای مکاشفه و نجات) ارجاع داده می‌شوند. به همین دلیل و به دلیل فاصله‌ی فرهنگی زیادی که بین تمدن‌های باستانی خاور نزدیک (که کتاب مقدس از آن‌ها برخاسته است) و زندگی اجتماعی غرب مدرن است، مشاهده‌ی صحیح‌ترین و حکیمانه‌ترین کاربرد اصول کتاب مقدس در زندگی امروزی، اغلب کاری دشوار است. حقیقت‌های جهان‌شمول درباره‌ی رابطه‌ی خدا و بشر با یک‌دیگر که باید از درون پوسته‌ی کاربردهایی که در هنگام اولین برخورد ما با آن‌ها برایمان پوشیده هستند، در آورده شوند و باید از نو در محیط‌های فرهنگی و در جریان تاریخی کاملاً متفاوت با آن‌چه در کتاب مقدس نشان داده شده است، استفاده شود. برای به‌کار گرفتن کتاب مقدس در این محیط تغییر یافته و در حال تغییر زمان ما، باید اصول درپی آمده را به ذهن سپرد.

اول، از آنجایی که تمامی کتاب مقدس برای ما به‌عنوان کلام همیشه معتبر خدا (از طریق خود عیسی مسیح) تصدیق می‌شود (کتاب عهد عتیق با شهادت بر خود و استفاده‌ی خودش از آن و کتاب عهد جدید با وعده‌اش به روح القدس به راهنمایی نویسندگان رسالتی و نبوتی)، باید به کلیت آن به‌عنوان عضو و مجرای از مرجعیت خود عیسی مسیح نگاه کرد. بنابراین باید نسبت به عیسی مسیح شاگردی وفادارانه و امین داشت تا با وجدان تمامی آموزه‌های کتاب مقدس (چه آموزه‌هایی با حالت اخباری و چه آموزه‌هایی با حالت امری) را قبول کرد و این نظر رایج را که وفاداری به عیسی مسیح ممکن است شامل رویکردهای شکاکانه و گزینشی به کتاب مقدس شود، باید به عنوان وهمی گمراه‌کننده و غیرقابل دفاع رد کرد. اعتبار کتاب مقدس و اعتبار عیسی مسیح یکی هستند.

دوم، از آنجایی که کل کتاب مقدس در نهایت پرداخته‌ی ذهنی واحد (ذهن روح القدس) است، پیوستگی حقیقی بین تمامی موضوعاتی که به آن‌ها می‌پردازد وجود دارد. در نتیجه هر نمودی از تناقض نفس یا سردرگمی باید توهم تشخیص داده شود و باید فهمیده شود که بخشی از وظیفه مفسر این است که به دنبال راهی جهت برطرف ساختن چنین نمودی شود. توان موفقیت ما در این امر در هر موردی، متفاوت خواهد بود اما این هدف همیشه باید مدنظر مفسر باشد. هماهنگی درونی کتاب مقدس (که با یقین به خدای راست‌گو تضمین شده است. خدایی که تمامی آموزه‌های کتاب مقدس از او منشاء گرفته است. خدایی که همیشه از ذهن خویش آگاه است و هرگز درباره‌ی حقایق مبهم گویی نمی‌کند) بدیهی است. بنابراین از آنجایی این ذات خدا است که تنها حقیقت موثق را بگوید، باید بپذیرید که تمامی آموزه‌های کتاب مقدس درباره‌ی هر موضوعی موثق است. (توجه کامل‌تری از این فرضیه‌ی معتبر خطاناپذیری کتاب مقدس و دستورات عمل‌های قاطع از جانب خالق ما در یافته‌های دو اجلاس اول شرح داده شد.)

سوم، تفاوت‌های بین توالی مراحل برنامه‌ی مکاشفه‌ی خدا باید در نظر گرفته شود و باید به این حقیقت توجه کنیم که خواسته‌های خدا از قوم خویش در دوره‌ی پیش از عهد جدید تنها موقتی بودند. گرچه جهت تشخیص این حقیقت باید به دنبال تشخیص اصول اخلاقی و روحانی پایداری باشیم که این درخواست‌ها به کار می‌گیرند و بیان می‌کردند و این سؤال را بپرسیم: چگونه باید این اصول یکسان را در زندگی امروزی خویش به کار بندیم؟

چهارم، کلیسا جدای از کتاب مقدس منبع اطلاعاتی خطاناپذیری درباره‌ی خدا نیست و هم‌چنین کلیسا از لحاظ روش و ابزار برای خودابرازی، مفسر بی‌نقص کتاب مقدس نیست. کلیسا تحت قدرت کتاب مقدس است و کتاب مقدس تحت قدرت کلیسا نیست. ادعاهای تاریخی کلیسای کاتولیک روم را کتاب مقدس تضمین نمی‌کند و از لحاظ ذاتی باورکردنی نیستند. به همین منوال ادعاهای پروتستان‌هایی که روح القدس باید آن‌ها رهبری می‌کرد و آموزش می‌داد وقتی که آموزه‌های کتاب مقدس از آن حمایت نمی‌کنند، باورکردنی نیستند. اما قرن‌ها مطالعات درباره‌ی کتاب مقدس بارها نشان داده است که کتاب مقدس مرجع قانونی درباره‌ی تمامی مسائل مهم زندگی همچون ایمان، امید، اطاعت، عشق و رستگاری، خودش خود را تفسیر می‌کند. از زمان جنبش پروتستان‌ها هم‌گرایی حقیقی درباره‌ی این واجبات بین مفسران معتقد به کتاب مقدس، با قدرت مباحثه‌ی رهبران پروتستان را تایید می‌کند که درباره‌ی این بود که این کتاب مقدسی که ما داریم هم کافی و هم واضح است. به عبارت دیگر، کتاب مقدس به‌عنوان مکاشفه‌ی الهی کامل و معنی و پیامش برای تمام کسانی واضح است که به لطف روح القدس چشمانی دارند که با آن‌ها هرچه را که در مقابل ایشان باز است بینند. اما چون روند تقدس فکری مسیحیان مانند دیگر جنبه‌های تقدیس ایشان هنوز کامل نیست، بعضی تفاوت‌های عقیدتی درباره‌ی مسائل ثانویه در میان معتقدان به کتاب مقدس، دور از انتظار نیست. نباید به این مسائل از دیدگاه ایجاد شبهه در وضوح ذاتی دست‌نوشته‌های کتاب مقدسی فکر کرد، یعنی دست‌نوشته‌هایی که همه به دنبال تفسیر و استفاده از آن‌ها هستند.

پنجم، نسبی‌سازی آموزه‌های کتاب مقدسی در اصول، فرض‌ها و الگوهای فرهنگی این عصر یا هر عصر دیگر، روشی اشتباه است. کتاب مقدس کار، روش و خواست تغییر ناپذیر خدای خالق را در رابطه با بشر آشکار می‌سازد. بدین لحاظ تمامی عقاید بشری مربوط به ارزش‌ها، اولویت‌ها و وظایف باید قضاوت شوند و هر جا که لازم باشد باید آن‌ها را با ارجاع به این آشکارسازی اصلاح کرد. هر فرهنگی (که باز نمودی از هدف‌های یکپارچه‌ی بشر سقوط کرده است) اثری تحریف‌کننده، خفقان‌آور و تضعیف‌کننده روی حقیقت‌های کتاب مقدس می‌گذارد. حقیقت‌هایی که اگر استفاده شوند، فرهنگ را تغییر می‌دهند. حفظ این حقایق به دور از هرگونه شبیه‌سازی آن‌ها به شرایط فرهنگی موجود، هرگز آسان نیست. خط فکری آیین پروتستانت در دو قرن اخیر داستانی پندآموز را در این باره ارائه می‌کند زیرا این آیین با روش افراطی خود در کسب عادت نسبی‌سازی متداول آموزه‌های کتاب مقدس با اسلوب سکولار کنونی (خردگرا، تاریخ شناس، تکامل‌گرا، اگزیستانسیالیسم، مارکسیسم یا هر چیز دیگری) گمراه شده است اما این موجب فراموشی این شده است که چگونه گناه، قوه‌ی درک آدمی را در رابطه با تمامی مسائل مهم، تاریک و گمراه می‌کند و هم‌چنین موجب فراموشی این شده است که کتاب مقدس جهت روشن‌سازی تاریکی ذهنی و روحی ما به ما داده شده است تا به ما نشان دهد مفاهیم و استعاره‌های فرهنگ سکولار در این عصر یا هر عصر دیگر، در کجا کاستی دارند. فرهنگ سکولار در رابطه با خداوند و زندگی انسان‌ها همیشه گمراه است (رومیان ۱:۱۸ تا ۱:۳۵) و تنها محتوای مکاشفات کتاب مقدس، می‌تواند اصلاح مورد نیاز را ایجاد کند. بنابراین خواسته‌ی ما روشن‌سازی کتاب مقدس نیست بلکه می‌خواهیم اجازه بدهیم کتاب مقدس ما را روشن سازد. تنها در صورتی که به آموزه‌های کتاب مقدس (با ویژگی خود که حقیقت محض خداوند است) مجال دهیم فرض‌های مربوط به خدا و بهترین روش زندگی را (که جامعه کنونی ما آن‌را بدیهی می‌داند) اصلاح کند، کتاب مقدس را آن‌گونه که باید به کار می‌بریم. زیرا شیوه درست کاربرد کتاب مقدس این است که به کتاب مقدس اجازه دهیم که ما را از لحاظ فکری، اخلاقی و روحانی آموزش دهد. مشکلی که پروتستان‌ها داشتند این بود که هنگام صحبت از ضرورت کتاب مقدس، هیچ‌کدام به درستی درباره‌ی خدا فکر نمی‌کردند و در نتیجه بدون راهنمایی کتاب مقدس، آن‌گونه که باید، زندگی و عمل نمی‌کنند.

روش درست پرسش سؤال تفسیری که در بحث‌های امروزی مهم است، این است که بپرسیم چه چیزی در درون ما یا در فرهنگمان ما را از گوش کردن به کلام تغییرناپذیر خدا درباره‌ی قضاوت، رحمت، توبه و نیکوکاری باز می‌دارد؟ زیرا این در مورد ما و موقعیت ما صدق می‌کند. وقتی سؤال بدین شکل پرسیده می‌شود، دری به سوی کلام خداوند باز می‌گردد و تاثیر خوبی بر ما می‌گذارد. شکل این تاثیر از هر زمان و مکانی با زمان و مکانی دیگر متفاوت است، زیرا درست است که کلام خدا باید خود را در هر فرهنگ متمایز (به‌بار نشسته در خانواده‌ی انسان) بومی کند اما جوهره‌ی تأثیرش (که خواستار توبه و ایمان به مسیح، پرستش و تقدس به درگاه خدا، عشق و عدالت نسبت به هم‌نوع است) همیشه و همه‌جا یکسان است.

ششم، کاربرد اصول کتاب مقدس در زندگی مشروط به محدودیت‌های دانش واقعی ما درباره‌ی موقعیتی است که اصول در آن به وجود آمدند. وقتی بحثی درباره‌ی واقعیت‌ها یا درباره‌ی پیامدهای محتمل مستقیم یا غیر مستقیم

یا درباره‌ی اقدام‌های جایگزین، اثرات طولانی مدّت (برای مثال) پیش‌رفت‌های صنعتی خاص یا رویه‌های اقتصادی یا استراتژی نظامی است، اختلاف نظر درباره‌ی بهترین و عاقلانه‌ترین روش پیش‌روی محتمل است و چنین اختلاف نظری ممکن است به‌نظر تشویش‌آمیز بیاید زیرا ایجاد بهترین نتایج قانونی برای دیگران قسمتی از تکلیف دوست داشتن همسایگان‌مان است که کتاب‌مقدس بر همه‌ی ما واجب کرده است. اما این دست اختلاف نظرها الزاماً در اصولی که باید استفاده شوند، ایجاد شبهه نمی‌کند و در نتیجه نمی‌توان ناسنجیده به آن به‌عنوان ادله‌ای بر برداشت‌های متفاوت از کتاب‌مقدس خطاناپذیر رجوع کرد.

هفتم، استفاده از اصول کتاب‌مقدس در زندگی، لازمه‌ی این آگاهی است که در میان محدودیت‌هایی که قوانین اخلاقی کتاب‌مقدس برایمان ایجاد کرده است، آزادی هست که در آن ما مسئولیت انتخاب گزینه‌هایی را داریم که به نظرمان برای جلال خداوند، رفاه بشریت و از جمله خودمان بیشترین سود را دارد. یکی از قوانین حکمت و اطاعت مسیح این است که هرگز اجازه ندهید که خوب دشمن خوب‌ترین شود یا چیزی را که «بد نیست» به چیزی که به‌وضوح بهتر است، ترجیح دهید. گرچه مسیحیانی که الهیاتشان در جوهره یکی هستند، ممکن است تفاوت‌هایی به دلیل عوامل فردی و فرهنگی (که به‌درستی روی معیارهای ارزشی و اولویت‌هایشان تأثیر می‌گذارد) داشته باشند، باری دیگر می‌گوییم اشتباه است که به چنین تفاوت‌هایی رجوع شود تا اختلاف نظرهایی را درباره‌ی گفته‌های کتاب‌مقدس را نشان داد.

هشتم، استفاده از کتاب‌مقدس در زندگی مستلزم مرهم و التیام روح‌القدس است. حقایق روحانی که در کتاب‌مقدس از آن‌ها سخن گفته شده است، بدون کمک او قابل فهم نبودند، وسعت، نیرو و قدرت نفوذ آموزه‌های کتاب‌مقدس به‌درستی فهمیده نمی‌شد و حدود و عمق مکاشفات، تقاضاها، چالش‌ها، توبیخ‌ها و دعوت‌ها به ایمان و اصلاح به‌درستی درک نمی‌شد. تشخیص خاضعانه‌ی این‌که همیشه چیزهای بیش‌تری برای یادگیری هست و این‌که دانش کنونی کامل نیست و فریاد همیشگی درخواست نور و حکمت بیشتر از جانب خدا، تنها چارچوب ذهنی سالم برای کسانی است که ارتباط کلام الهی را تفسیر می‌کنند. و چنین چارچوب ذهنی‌ای تنها در کسانی به واقعیت می‌پیوندد که به‌نحوی رستگار کننده منسوب به عیسی مسیح هستند و کوری و نادانی منطق طبیعی شخصی خود را حس کرده‌اند و بنابراین از خود خداوند یاد گرفته‌اند که بر فهم خودشان تکیه نکنند.

در اجلاس سوم فرض بر این است که این هشت اصل (به‌عنوان زمینه‌ای مشترک) و یافته‌هایش تلاشی صادقانه را در پیروی منطقی از کتاب‌مقدس و استفاده از آموزه‌های کتاب‌مقدس در جهان اطرافمان نشان می‌دهد.

چشم‌اندازهایی جدید از مسیرهای قدیمی

وظیفه‌ای که اجلاس سوم خود را متوجه‌اش ساخته است، کاربرد آموزه‌های مورد اعتماد کتاب‌مقدس در سردرگم‌ترین بخش‌های زندگی مدرن است. جامعه‌ی سکولار غرب در اصل نمی‌تواند این وظیفه را به‌عهده بگیرد زیرا جامعه‌ی سکولار ما بر قضاوت خویشان، نه به‌وسیله‌ی مکاشفه‌ی آفریدگار در کتاب‌مقدس بلکه بر اساس

معیارهای فکری تکاملی، آسان‌گیر، مادّی‌گرا، لذّت‌گرا و دنیوی اصرار دارد. یافته‌های اجلاس نشان می‌دهد دیدگاهی که چنین قضاوتی از سیستم ارزشی و عقیدتی منعکس می‌کند، در واقع بسیار غلط است و یافته‌ها در کل، چالش سختی را ضدّ آن ایجاد کرده‌اند. گرچه شکی نیست که دیدگاه‌های سکولار در جهان غرب در همه‌جا موفق هستند و بسیار بیش‌تر از مقاله‌ی انتقادی و چالشی یک کنفرانس نیاز است تا آن‌ها را از سر راه برداشت.

هیچ شکلی از الهیات لیبرال یا نوین‌گرایی نمی‌تواند اجلاس سوم را از وظیفه‌ای که عهده‌دارش شده است، باز دارد. اکنون چنین کفرهای ظاهراً مسیحی نیز در جمع‌های خاصی موفق هستند اما چنین الهیاتی الوهیت، کفایت و نیروی الزام‌آور بسیاری از آموزه‌های کتاب‌مقدس را زیر سوال می‌برند و در نتیجه از لحاظ روش‌گرایی توانایی اجرای چنین وظیفه‌ای را تحت لوای اعتبار کتاب‌مقدس ندارد. فرضیه‌های لیبرال، کتاب‌مقدس را با مطلق‌نمایی نظراتی ضد آموزه‌های کتاب‌مقدس (برای مثال، نیکی ذاتی بشر یا یگانگی ذاتی ادیان) و سپس با ترتیب‌دهی مجدد به اولویت‌های کتاب‌مقدس با در نظر گرفتن پیش‌داوری‌ها و فکر و ذکر سکولاری (برای نمونه از ماموریت با اولویت دهی به اهداف سیاسی، اجتماعی و اقتصادی بر تبلیغات مذهبی کلیسا برای مسیحیت تعریفی نو ارائه می‌کند) نسبی‌سازی می‌کند. اجلاس به‌صراحت، خویش را از خودسری چنین اسلوبی و چنین نتیجه‌گیری‌های لجوجانه‌ای دور نگاه می‌دارد.

یافته‌های اجلاس به تمامی شکل‌های مکتب آتنیسم مدرن پشت می‌کند که تنها به‌دنبال گفت‌ووشنود چیزهای جدید هستند. به‌جای دنباله‌روی از بدعت، کاربردهای به‌روز شده از میراث عقیدتی کتاب‌مقدس را ارائه می‌دهند که آشکارا قدیمی‌تر، استوارتر و یقیناً حکیمانه‌تر هستند. بنابراین شنا کردن خلاف جریان فکری کنونی، نه از سر بزدلی بلکه از سر شجاعت، نه از سر نابه‌نجاری بلکه از سر وجدان است. اعضاء اجلاس هم‌عقیده‌اند که تنها روش خوب برای کلیسا و جامعه‌ی امروزی در راستای مسیرهای قدیمی قرار دارد. بنابراین در سؤال‌های تاریخی مانند قداست زندگی، رابطه جنسی، خانواده، نقش خدادادی دولت (در اداره‌ی ابعاد سیاسی، قضایی و اقتصادی زندگی جامعه) و هم‌چنین در سؤال‌هایی با زاویه‌های جدید اواخر قرن بیستم مانند مشروعیت جنگ هسته‌ای و مباشرت در نظم طبیعی، اعتبار مداوم دیدگاه‌های قدیمی مسیحیت دائماً اثبات می‌شود. در همین راستا تمرکز قدرت مدرن با ستایش‌گری از استقرار در مرکز و منش سرورگرایی فراگیر آن و تصویب دیدگاه‌های ایراددار در تمامی موضوعات ذکر شده همیشه (چه در شکل فاشیست یا مارکسیست یا هر شکل دیگر) به‌عنوان پیش‌رفتی تأسف‌برانگیز دیده می‌شود. این‌که این تعصبی سیاسی یا رویایی پیامبرگونه است، سؤالی است که بدون شک افراد مختلف پاسخ متفاوتی به آن می‌دهند اما مطلبی است که اعضاء اجلاس تقریباً درباره‌ی آن به توافق جمعی رسیده‌اند. دویست و پنجاه نفر از ما که هم‌دیگر را در اجلاس ملاقات کردیم، معتقدیم که هرکس به کتاب‌مقدس اجازه‌ی انتقال پیامش را درباره‌ی این مسائل می‌دهد، تقریباً درنهایت به جایی می‌رسد که ما هم‌اکنون در آن جا ایستاده‌ایم. حال یافته‌ها و مقاله‌هایمان را به‌عنوان شهادتی (از آن‌چه که از گفته‌ی خداوند شنیده‌ایم و به آن باور داریم) به عموم ارائه می‌دهیم و پذیرای هر موقعیتی برای تشریح و تایید این شهادت در بحث‌های گسترده‌تر هستیم.